

بررسی تطبیقی جایگاه افزوده در زبان انگلیسی و گویش کردی خزلی بر اساس نظریه هالیدی (۲۰۰۴)

مرزبان نظری^۱
اکبر عزیزی فر^۲
طیبه خوشبخت^۳
علی جمالی^۴

چکیده

زبان‌های کردی و انگلیسی، ترکیبی هستند و از زبان‌های هند و اروپایی به شمار می‌آیند. منظور از ترکیبی این است که می‌توان از پیوند دادن واژه‌های زبان به یکدیگر یا افزودن پیشوندها و پسوندها به آنها برای بیان معانی و مفاهیم تازه بهره گرفت و هزاران واژه تازه با معانی تازه ساخت. یک واژه می‌تواند چندین بار صورت ترکیبی پیدا کند. یکی از موضوعات مهم دستوری که جای مطالعه و بررسی جدی و همه‌جانبه دارد، «افزوده» است. این پژوهش به بررسی جایگاه افزوده‌ها در جملات انگلیسی و کردی خزلی پرداخته و ۱۳۶ جمله انگلیسی و ترجمه‌های کردی خزلی آنها را مبنای مطالعه قرار داده است. فراوانی جایگاه افزوده‌ها (ابتدایی، میانی و پایانی) در جملات انگلیسی و فراوانی جایگاه آنها در جملات کردی خزلی، به کمک نرم‌افزار SPSS تعیین شده است. نتایج نشان می‌دهد که بین زبان انگلیسی و گویش کردی خزلی از نظر جایگاه افزوده‌ها در جملات، تفاوت معناداری وجود دارد. در زبان انگلیسی، افزوده‌ها در جایگاه ابتدایی، میانی و پایانی قرار می‌گیرند و جایگاه‌های ابتدایی و میانی بیشترین فراوانی را دارند. در کردی خزلی، جایگاه ابتدایی بیشترین استفاده را دارد، فراوانی جایگاه میانی، کمتر از جایگاه ابتدایی است و در جایگاه پایانی، هیچ افزوده‌ای وجود ندارد. نتایج این مطالعه برای مترجمان، معلمان و زبان‌آموزانی مفید است که از این دو زبان استفاده می‌کنند یا آنها را مورد مطالعه قرار می‌دهند.

واژگان کلیدی: افزوده، دستور نظام‌مند نقش گرا، انگلیسی، کردی خزلی.

به باور چامسکی (۱۹۷۲: ۲۸)، «زبان گسترده‌ترین، پیچیده‌ترین و در عین حال، راحت‌ترین وسیله ارتباطی بین انسان‌هاست. این ابزار که دستگاهی منظم و با قاعده^۱ است، ویژگی دیگری هم دارد و آن صورت گفتاری و آوایی است. انسان‌ها از این دستگاه منظم به شکل گفتاری و نوشتاری بیشترین بهره را می‌برند. به نظر می‌رسد برجسته‌ترین ویژگی زبان، نظام‌مند بودن آن است؛ چراکه واحدهای سازنده آن به طور منظم و با قاعده همیشه در صورت‌های گفتاری و نوشتاری ظاهر می‌شوند».

همه زبان‌شناسان بر این موضوع اتفاق نظر دارند که توانایی زبان در خلق جمله‌های تازه، بی حد و مرز است و می‌دانند که آدمی از رهگذر همین ویژگی زبان، قادر است هرآنچه در ذهن دارد را در قالب الفاظ بیان کند. با توجه به اینکه انسان‌ها جمله‌هایی را که بیان می‌کنند از قبل به خاطر نمی‌سپارند، این سؤال مطرح می‌شود که چگونه از عهده این کار برمی‌آیند؟ پاسخ این است که زبان پدیده‌ای با قاعده است و وقوف ناخودآگاه آدمی بر قواعد آن، به او امکان می‌دهد تا بی‌نهایت جمله خلق کند. نوآم چامسکی (۱۹۷۲: ۲۹) این نکته را چنین بیان کرده است: «فردی که زبانی را می‌داند، در حقیقت نظامی از قواعد را فرا گرفته است؛ نظامی که لفظ و معنا را به طریق خاصی به هم پیوند می‌دهد». دستور زبان در کلی‌ترین مفهوم، شناخت و توصیف و تبیین همین قواعد است.

زبان‌شناسی و دستور، شاخه‌هایی از دانش هستند که به شناخت و بررسی واقعیت‌ها و قواعد حاکم بر زبان می‌پردازند. دستور^۲، بخشی از زبان‌شناسی است که درباره ساختمان آوایی، صرفی، نحوی و معنایی زبان بحث می‌کند؛ البته برخی آن را شامل آواشناسی، نحو و معنی‌شناسی می‌دانند (مشکوه‌الدینی، ۲۰۰۰: ۴۳).

به هر حال دستور چون قواعد حاکم بر زبان را بررسی می‌کند، باید به گونه‌ای همه اجزای سازنده را بشناسد و از این نظر، سه بخش عمده دارد: آواشناسی^۳، صرف، ساخت‌واژه یا تکواژشناسی^۴ و نحو^۵. تحقیق درباره هریک از عناصر زبان به شکلی جداگانه، کار آموختن و آموزش دستور را بهتر، عملی‌تر و دقیق‌تر می‌کند.

دستور نظام‌مند نقش‌گرا که به اختصار SFG خوانده می‌شود، دستوری معنامدار است که هالیدی در دهه ۱۹۶۰ آن را مطرح کرد. «این دستور، زبان را یک منبع نشانه‌شناختی اجتماعی می‌داند که گویشوران، آن را برای تحقق اهدافشان و با بیان معنا در بافت به کار می‌برند» (هالیدی، ۱۹۹۴: ۳۹). از دیدگاه هالیدی، زبان‌ها سه نقش یا فرانش کلی دارند: ۱- تفسیر تجربه (معانی مربوط به جهان بیرونی و درونی)؛ ۲- دلالت بر روابط اجتماعی (معانی مربوط به روابط بین فردی)؛ ۳- پیوند این دو کارکرد برای خلق متن (واژه‌پردازی). هالیدی (۲۰۰۳: ۲۹) تلاش کرده است نظریه و توصیفی زبان‌شناختی ارائه کند که برای تمام بافت‌های زبان انسان قابل طرح باشد.

1. systematic
2. grammar
3. phonetics
4. morphology
5. syntax



در پژوهش حاضر، بر اساس انگاره نقش‌گرای هالیدی، به بررسی افزوده‌ها در گونه‌های زبانی انگلیسی و کردی خزلی پرداخته می‌شود. افزوده مبحثی است که نظریه‌های صورت‌گرا^۱ و به طور خاص برنامه کمینه‌گرا^۲ (چامسکی، ۱۹۹۵؛ ردفورد، ۲۰۰۴ و هگمن، ۲۰۰۶) و نظریه‌های نقش‌گرا (مثل دستور نقش‌گرای نظام‌مند هالیدی و ماتیسون، ۲۰۰۴) به آن پرداخته‌اند. افزوده، یک واژه، عبارت تعدیل‌کننده یا به طور کلی، یک صورت زبانی است که به واژه، عبارت یا صورت زبانی دیگری وابسته است و جزئی از ساختار بند با کارکرد قیدی به شمار می‌رود. در دستور زبان، افزوده‌ها آن بخش از جمله‌اند که اطلاعاتی اضافی از زمان، چگونگی و نحوه عملکرد کنشی را به دست می‌دهند. برخلاف متمم‌ها، که مکرراً اجباری هستند، افزوده‌ها در جمله اختیاری‌اند؛ به عنوان مثال، در جمله زیر:

«مسابقه، در میان ناباوری همگان، به نفع ایران تمام شد».

بخش «در میان ناباوری همگان» افزوده است.

همان‌گونه که اشاره شد، افزوده یکی از عناصر ساختمانی بند به شمار می‌آید که می‌تواند به صورت عبارت حرف اضافه‌ای، قید، گروه اسمی و بندهای ساده ظاهر شود.

اصطلاحات و مفاهیم کلیدی

۱. **افزوده و متمم:** افزوده‌ها همیشه اختیاری هستند و متمم‌ها به طور مکرر اجباری‌اند. تفاوت میان آنها نیز این است که متمم توسط هسته انتخاب می‌شود؛ بنابراین ارتباط نزدیکی بین هسته و متمم وجود دارد. افزوده‌ها اطلاعاتی اضافی هستند که با هسته گروه نحوی ارتباط نزدیکی ندارند (جعفری، ۱۳۸۸: ۶).

۲. **صرف:** بخشی از دستور زبان است که ساختار واژه را تحلیل می‌کند. ساخت واژه نیز به شناخت تکواژها و راه‌های هم‌نشینی آنها با یکدیگر در قالب‌های نحوی و در واژه‌سازی می‌پردازد (باطنی، ۱۳۴۸: ۹).

۳. **واژه:** واژه یا کلمه، بعد از واج و تکواژ قرار دارد؛ درواقع سومین واحد زبان به شمار می‌رود و معنادار است. واج‌ها نمی‌توانند نقش دستوری داشته باشند؛ اما تکواژها هم مانند واژه، نقش دستوری می‌گیرند و معنای مستقل دارند. تفاوت واژه با تکواژ در این است که واژه‌ها را می‌توان به اجزای کوچکتری تقسیم کرد؛ اما تکواژها قابل تقسیم شدن به اجزای کوچکتر نیستند (همان).

۴. **دستور زبان:** به قوانین و ضوابط حاکم بر ساختار واژه‌ها، جمله‌ها، واج‌ها، آواها و معناها در زبان می‌پردازد؛ به زبان ساده‌تر، دستور زبان فارسی موظف به جمع‌آوری و تدوین قواعدی است که اهل زبان در گفتار و نوشتار فارسی از آن استفاده می‌کنند (قریب و همکاران، ۱۳۶۶: ۲۶).

1. Adjuncts

2. Formalist

3. Minimalist

ضرورت و اهمیت انجام تحقیق

از آنجا که زبان مانند هر پدیده دیگری همواره در حال تغییر و تحول است، مباحث دستوری آن نیز باید همسو با این تغییر و تحولات مورد ارزیابی قرار گیرد. یکی از این مباحث مهم دستوری که جای تحقیق جدی و همه‌جانبه دارد، افزوده است. هیچکدام از نظریه‌های مطرح شده در رابطه با بحث افزوده‌ها، به تنهایی برای تبیین داده‌های گویش خزلی کارآمد نیستند؛ یعنی در کنار ساختار و صورت زبان، بایستی معنا، نقش کارکردی و ویژگی‌های رده‌شناختی آن نیز در نظر گرفته شود. از آنجایی که تاکنون مطالعه‌ای در خصوص افزوده‌ها در گونه خزلی خزلی؛ همچنین در خصوص مقایسه جایگاه افزوده‌ها در زبان انگلیسی و گونه خزلی خزلی انجام نشده است، ضرورت انجام مطالعه حاضر به عنوان اولین مطالعه در این خصوص به خوبی نمایان می‌شود.

پیشینه پژوهش

پژوهشگران مطالعه حاضر، از نظریه دستور زبان نقش‌گرای هالیدی، که در «مقدمه‌هایی بر دستور نقش‌گرا» (هالیدی، ۱۹۸۵ و ۱۹۹۴) و «مقدمه‌ای بر دستور کاربردی» (هالیدی و ماتیسن، ۲۰۰۴) طرح شده است، به عنوان چارچوب نظری استفاده کردند. این نظریه به زبان به عنوان یک نظام اجتماعی - نشانگانی^۱ می‌نگرد و بر کارکردهای ارتباطی آن تأکید دارد. این دیدگاه، برخلاف دستور سنتی که بیشتر بر ساختارهای دستوری متمرکز است، بر نقش‌ها و کارکردهای زبان در برقراری ارتباط و ایجاد معنا تمرکز می‌کند. در دستور نقش‌گرا، زبان به عنوان یک ابزار اجتماعی برای برقراری ارتباط و تبادل معنا در نظر گرفته می‌شود و مجموعه‌ای از انتخاب‌هاست که کاربران می‌توانند برای ساختن معنا از آنها استفاده کنند.

دلیل پذیرش این نظریه، رویکرد سه بعدی همزمان و گره خوردن آن با مسائل اجتماعی است. به گفته هالیدی و ماتیسن (۲۰۰۴)، ترکیبی از سه ساختار مختلف در یک بند وجود دارد که حاکی از ساماندهی‌های معنایی متفاوت و نتیجه چیدمان‌های متفاوت از بندهاست و سه نوع متمایز از معنا را ایجاد می‌کند که با عنوان «فرانقش‌ها یا فراکارکردها» شناخته می‌شوند و عبارتند از رشته‌های معنایی «اندیشگانی^۲»، «بینافردی^۳» و «متنی^۴».

رشته معنایی اندیشگانی، دو زیربخش دارد: ۱- خط سیر تجربی معنا، که در آن، یک بند به عنوان بازنمایی تحلیل می‌شود (تفسیر و بازنمایی جهان درون و اطراف ما) و ۲- خط سیر منطقی معنا، که در آن، بندها از نظر روابط دستوری و معنایی، تجزیه و تحلیل می‌شوند.

افزوده‌ها، که عموماً به عنوان قیده‌ها و توضیحات جانبی در جملات استفاده می‌شوند، از دیرباز یکی از عناصر مهم و تأثیرگذار در ساختار جملات بوده و نقش مهمی در بیان دقیق‌تر معانی و ایجاد ارتباط بهتر با مخاطب داشته‌اند.

1. Social- semiotic

2. Ideational

3. intrapersonal

4. textual



از آنجایی که محققان پژوهش حاضر، مطالعه‌ای در مورد افزوده‌ها در گویش کردی خزلی و نیز مقایسه آن با افزوده‌ها در زبان انگلیسی نیافتند، به مطالعاتی اشاره می‌کنند که افزوده‌ها را در زبان فارسی به عنوان مأنوس‌ترین گونه زبانی برای گویشوران کرد خزل، بررسی کرده‌اند.

در زبان فارسی، افزوده‌ها از عناصر اختیاری در جمله به شمار می‌آیند که می‌توانند بدون تغییر در ساختار دستوری حذف شوند. این عناصر معمولاً شامل قیدها و عبارات حرف اضافه‌ای هستند که اطلاعات بیشتری را درباره زمان، مکان، حالت و سایر جزئیات فراهم می‌کنند. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که افزوده‌ها در جملات فارسی، نقش مهمی در بیان دقیق‌تر معانی دارند و تفاوت‌های ساختاری آنها می‌تواند از تفاوت‌های معنایی ناشی شود (هالیدی و ماتیسن، ۲۰۰۴: ۹۶).

مقوله‌های PPs، AdvPs، NPs و AdjPs به طور معمول برای نشان دادن افزوده‌ها و متمم‌ها به عنوان دو نقش نحوی مهم به کار می‌روند. از دیدگاه باطنی (۱۳۴۸: ۴۸)، هر عبارتی که با یک حرف اضافه آغاز می‌شود، یک عبارت قیدی (AdvP) به حساب می‌آید که به عنوان یک افزوده عمل می‌کند. به نظر وی، عبارات اسمی نیز می‌توانند به عنوان افزوده ایفای نقش کنند؛ با این حال، توصیف او قادر به ایجاد تمایز بین متمم‌ها و افزوده‌ها نیست؛ زیرا بسته به موقعیت، عبارات اسمی می‌توانند به عنوان متمم یا به عنوان افزوده، ایفای نقش کنند. به باور لازارد (۱۹۹۲: ۲۷)، متمم اصطلاحی است که افزوده‌ها و برخی از انواع متداول متمم را پوشش می‌دهد. میرعمادی (۱۳۷۶) به افزوده‌ها اشاره نمی‌کند؛ اگرچه می‌توان نمونه‌های فراوانی از این مفهوم را در کتاب او مشاهده کرد. وحیدیان کامیار و عمرانی (۱۳۷۹: ۴۱) نیز متمم را یک عبارت اسمی تحت حاکمیت یک حرف اضافه می‌دانند. آنها متمم‌ها را به متمم‌های فعلی، که اجباری هستند و متمم‌های قیدی، که اختیاری هستند، تقسیم می‌کنند و یک راهکار غیرمتممی برای برخی از انواع متمم‌ها، مانند متمم‌های گزاره‌ای مفعول/فاعل، پیشنهاد می‌دهند و درواقع از برچسب‌های دیگری غیر از متمم استفاده می‌کنند. میس (۲۰۰۳: ۴۸)، اصطلاح «متمم» را در معنایی بسیار محدود به کار می‌برد که تنها متمم گزاره‌ای فاعل را پوشش می‌دهد و از میان دیگر کارکردهای عبارت اسمی، تنها به بحث در مورد مفعول مستقیم می‌پردازد و در مورد افزوده و مقولات نحوی‌ای که این نقش را ایفا می‌کنند، مطلبی بیان نمی‌کند. ابو محبوب (۱۳۸۳: ۵۶) بین مفعول مستقیم و آنچه را که متمم می‌نامد، تمایز قائل می‌شود. از دیدگاه او، متمم یک عبارت حرف اضافه‌ای است که به عنوان یک مفعول غیرمستقیم عمل می‌کند؛ با این حال، از اصطلاحاتی مانند «متمم قیدی» برای ارجاع به زمان، مکان و عبارات نشان‌دهنده حالت استفاده می‌کند. چنین راهکاری به تمایز بین متمم‌ها و افزوده‌ها، به عنوان دو مقوله اساساً متفاوت، آسیب می‌زند.

روش پژوهش

در انجام هر پژوهشی، گردآوری داده‌ها از جمله مراحل مهم به شمار می‌رود. داده‌های مورد استفاده در این پژوهش، شامل ۱۳۶ جمله خبری از زبان انگلیسی و ترجمه آنها به زبان کردی خزلی است. افزوده‌هایی در این جملات استفاده شده است که کاربرد متداولی دارند؛ بنابراین ما با آنها آشنا هستیم. در این پژوهش، سه نوع افزوده بررسی شد که عبارتند از: متنی، بینافردی و تجربی.



هدف از انجام این پژوهش، پاسخ دادن به این پرسش بود که آیا افزوده‌های کردی خزلی از نظر نوع و جایگاهشان در جملات یا بندها، مشابه افزوده‌های انگلیسی هستند یا خیر؟ با این وصف، جملات دارای افزوده و معادل آنها، انتخاب و جداگانه نوشته شدند تا مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرند و جملات انگلیسی، یک به یک در تقابل با جملات کردی خزلی قرار گرفتند؛ سپس، بر اساس انگاره‌های (۲۰۰۴)، توصیف و تشریح شدند. در راستای توصیف و تحلیل داده‌ها، مراحل زیر طی شد:

۱. جملات انگلیسی با ترجمه‌های آنها به گویش کردی خزلی، تطبیق داده شد.
۲. جایگاه افزوده‌ها در جملات انگلیسی با جایگاه معادل‌های آنها در جملات کردی خزلی، مقایسه شد.
۳. درصد معادل‌هایی که در جایگاه مشابه قرار داشتند و درصد معادل‌هایی که در جایگاهی متفاوت قرار داشتند، تعیین شد.
۴. شیوه تجلی افزوده‌ها در زبان انگلیسی و کردی خزلی مشخص شد.
۵. داده‌ها به دو روش آمار توصیفی و تحلیلی، تجزیه و تحلیل شدند.
۶. اطلاعات بر اساس نرم‌افزار SPSS جدول‌بندی شد؛ سپس نتایج به کمک آزمون کای اسکوتر به دست آمد و فراوانی نوع افزوده‌ها، جایگاه افزوده‌ها و نحوه بیان آنها در هر دو زبان (انگلیسی و کردی خزلی) مشخص شد.
۷. تفاوت‌ها و شباهت‌ها به طور کامل تشریح و تحلیل شد.
۸. بر اساس فراوانی شباهت‌ها و تفاوت‌ها، به سؤال پژوهش پاسخ داده شد.

یافته‌ها

همان‌گونه که پیشتر اشاره شد، افزوده‌ها می‌توانند به شکل تک کلمه، عبارات یا بند باشند که در ادامه برای هر کدام از آنها مثالی ذکر می‌گردد:

۱. تک کلمه:

مثال: من دیروز به ایلام رفتم.

- در گویش خزلی: م داه‌که چطمه نیلام.

- در زبان انگلیسی: I went to Ilam yesterday

۲. عبارت:

مثال: او بدون تردید به سؤال پاسخ داد.

- در گویش خزلی: وهی وه بطشک وه سوئاته جوووا دا.

- در زبان انگلیسی: He answered the question without hesitation



۳. بند:

مثال: او زود به رختخواب رفت، زیرا روز بعد آزمایش داشت.

- در گویش خزلی: وهی زأ خهفت چآن وووژ به عد نازماطش داشت.

- در زبان انگلیسی: He went to bed early because he had a test the next day

سؤال پژوهش به جایگاه افزوده‌ها در جملات انگلیسی و ترجمه آنها به کردی خزلی می‌پردازد. افزوده‌ها در سه جایگاه نحوی مختلف تجلی می‌یابند که عبارتند از: جایگاه آغازین، جایگاه میانی و جایگاه پایانی. در جدول شماره (۱)، میزان وقوع افزوده‌ها در جایگاه‌های آغازین، میانی و پایانی در جملات انگلیسی نشان داده می‌شود.

جدول شماره (۱). فراوانی و درصد وقوع افزوده‌ها با توجه به جایگاه آنها در جملات انگلیسی

جایگاه افزوده‌ها در جملات انگلیسی	فراوانی	درصد
آغازین	۶۰	۴۴.۱
میانی	۵۸	۴۲.۶
پایانی	۱۸	۱۳.۲
جمع	۳۶۱	۱۰۰.۰

جدول بالا حاکی از این است که از مجموع ۱۳۶ افزوده در جملات انگلیسی، ۴۴/۱ درصد در جایگاه آغازین، ۴۲/۶ درصد در جایگاه میانی و ۱۳/۲ درصد در جایگاه پایانی قرار دارند. در جدول شماره (۲) نیز میزان وقوع افزوده‌های کردی خزلی بر اساس جایگاه آنها (ابتدایی، میانی و پایانی) ارائه شده است.

جدول شماره (۲). فراوانی و درصد وقوع افزوده‌ها از نظر جایگاه آنها در جملات کردی خزلی

جایگاه افزوده در جملات کردی خزلی	فراوانی	درصد
آغازین	۷۰	۵۱.۵
میانی	۴۷	۳۴.۶
بدون معادل	۱۹	۱۴.۰
جمع	۳۶۱	۱۰۰.۰

جدول بالا نشان می‌دهد که از مجموع ۱۳۶ افزوده در گویش کردی خزلی، ۵۱/۵ درصد در ابتدا و ۳۴/۶ درصد در جایگاه میانی قرار داشتند. ۱۴ درصد از افزوده‌های انگلیسی نیز در جملات کردی خزلی معادلی نداشتند.

اکنون فراوانی افزوده‌ها در جایگاه‌های نحوی مختلف برای فرانش‌های بینا فردی، تجربی و متنی، به طور جداگانه بررسی می‌شود. جدول شماره (۳) فراوانی انواع افزوده را در جایگاه‌های آغازین، میانی و پایانی در زبان انگلیسی نشان می‌دهد.



جدول شماره (۳). فراوانی انواع افزوده در جایگاه‌های آغازین، میانی و پایانی در زبان انگلیسی

جایگاه افزوده در جملات انگلیسی	فراوانی و درصد انواع افزوده	q۱			جمع
		متنی	تجربی	بین فردی	
آغازین	فراوانی	۷۲	۴۱	۱۹	۰۶
	درصد	۴۵.۰۰	۳۳.۲	۶۱.۳	۱۰۰.۰
میانی	فراوانی	۱۵	۱۴	۲۹	۵۸
	درصد	۲۵.۸۶	۲۴.۱۳	۴۹.۹۹	۱۰۰.۰
پایانی	فراوانی	۰	۳۱	۵	۱۸
	درصد	۰	۷۲.۲	۲۷.۷	۱۰۰.۰
جمع	فراوانی	۴۲	۴۱	۵۳	۳۶۱
	درصد	۲۹.۹	۳۱.۶	۳۸.۵	۱۰۰.۰

همان‌گونه که جدول بالا نشان می‌دهد، جایگاه افزوده‌ها در جملات انگلیسی بررسی شده در پژوهش حاضر به صورت زیر است:

الف) جایگاه ابتدایی: ۱۹ مورد افزوده بینافردی، ۱۴ مورد افزوده تجربی و ۲۷ مورد افزوده متنی؛

ب) جایگاه میانی: ۲۹ مورد افزوده بینافردی، ۱۴ مورد افزوده تجربی و ۱۵ مورد افزوده متنی؛

ج) جایگاه پایانی: ۵ مورد افزوده بینافردی و ۱۳ مورد افزوده تجربی.

قابل ذکر است که در جایگاه پایانی جملات انگلیسی، افزوده متنی مشاهده نشد. بر اساس آزمون مجذور کای، بین جایگاه افزوده در جملات کردی خزلی و انگلیسی، تفاوت معناداری وجود دارد؛ زیرا مقیاس $p=15\%$ ، کمتر از مقیاس تعیین‌شده $p=5\%$ است؛ اگرچه برخی ناهماهنگی‌ها مشاهده شد.

در جدول شماره (۴)، فراوانی افزوده‌ها در جایگاه‌های آغازین و میانی در جملات کردی خزلی ارائه شده است.

جدول شماره (۴). فراوانی افزوده‌ها با توجه به جایگاه آنها در جملات کردی خزلی

جمع	q۱			فراوانی و درصد افزوده‌ها	جایگاه افزوده‌ها در جملات کردی خزلی
	متنی	تجربی	بین فردی		
۷۰	۲۶	۱۷	۲۷	فراوانی	آغازین
۱۰۰.۰	۳۷.۱	۲۴.۳	۳۸.۶	درصد	
۴۷	۹	۲۰	۱۸	فراوانی	میانی
۱۰۰.۰	۱۹.۱	۴۲.۶	۳۸.۳	درصد	
۱۱۷	۳۵	۳۷	۴۵	فراوانی	جمع
۱۰۰.۰	۲۹.۹	۳۱.۶	۳۸.۵	درصد	



همان گونه که جدول بالا نشان می دهد، جایگاه افزوده ها در جملات کردی خزلی بررسی شده در پژوهش حاضر به صورت زیر است:

الف) جایگاه ابتدایی: ۳۸/۶ درصد افزوده بینافردي، ۲۴/۳ درصد افزوده تجربي و ۳۷/۱ درصد افزوده متني؛

ب) جایگاه میانی: ۳۸/۳ درصد افزوده بینافردي، ۴۲/۶ درصد افزوده تجربي و ۱۹/۱ درصد افزوده متني؛

ج) جایگاه پایانی: هیچ افزوده ای مشاهده نشد.

بحث و نتیجه گیری

جعفری (۱۳۸۸: ۲۸) در مطالعه خود، افزوده ها را به سه گروه افزوده های حاشیه ای، افزوده های وجهی و افزوده های متنی^۱ تقسیم کرده است. افزوده های حاشیه ای، اطلاعاتی را در خصوص منظور، علت، زمان، مکان، شرایط، روش و مقدار محمول ها ارائه می دهند. افزوده های وجهی، نظر نویسنده یا گوینده را در خصوص میزان قطعیت و امکان وقوع گزاره بیان می کنند و تمامی انواع آنها، اعم از وجه نماهای برداشتی، توانمندی و شواهدی، با هر تظاهر زبانی، اعم از فعل، قید، گروه حرف اضافه ای و مانند آن، برچسب وجه نما دریافت می کنند. افزوده های متنی نیز پیوند دهنده هایی هستند که بین جمله ها ارتباط برقرار می کنند.

از میان افزوده های حاشیه ای، سه افزوده همراهی، وصف و مرجع دار با سایر افزوده های این گروه تفاوت دارند. این سه افزوده برخلاف سایر اعضای این گروه، که به لحاظ معنایی با فعل جمله ارتباط مستقیم دارند، در ارتباط مستقیم با موضوع ها تعریف می شوند؛ به این ترتیب که افزوده همراهی، شخصی حقیقی یا حقوقی است که کنشگر جمله را در انجام کنش همراهی می کند. افزوده وصف، افزوده ای است که با موضوع ها در یک رابطه اسنادی قرار دارد و به تنهایی می تواند در قالب یک وضعیت گزاره ای به کار رود. افزوده مرجع دار نیز به نظیر وجودی موضوع ها تعریف می شود؛ برای مثال، در جمله «رضا با خواهرش به خانه رفت»، گروه حرف اضافه ای «با خواهرش» در انجام کنش رفتن به خانه، برچسب «همراهی» دریافت می کند یا در جمله «رضا گریان وارد خانه شد»، «رضا» و «گریان» در یک رابطه اسنادی با یکدیگر قرار دارند و «گریان» خود معنای گزاره ای دارد؛ بنابراین کلمه «گریان» برچسب «وصف» دریافت می کند. در جمله ای نظیر «مردم خودشان کارهایشان را انجام می دهند» نیز کلمه «خودشان» که نظیر وجودی «آنها» محسوب می شود، برچسب «مرجع دار» را به خود اختصاص می دهد.

در این پژوهش، جایگاه افزوده ها در گونه های زبانی انگلیسی و کردی خزلی بررسی شد و فراوانی هر جایگاه، تعیین و تحلیل گردید. نتایج نشان داد که در زبان انگلیسی، جایگاه آغازین، بیشترین استفاده و جایگاه پایانی، کمترین استفاده را برای تجلی افزوده ها دارد و تفاوت بین فراوانی وقوع افزوده ها در جایگاه آغازین و جایگاه میانی، اندک است. در کردی خزلی نیز جایگاه آغازین، بیشترین کاربرد و جایگاه میانی، کمترین کاربرد را دارد و در پیکره این گویش،

هیچ افزوده‌ای در جایگاه پایانی وجود ندارد. تفاوت تجلی افزوده‌ها در جایگاه آغازین و میانی، در گویش کردی خزلی بیش از زبان انگلیسی است. برخی از افزوده‌های آغازین و میانی در جملات انگلیسی، در گونه کردی خزلی معادلی ندارند. در کردی خزلی، افزوده‌ها بیشتر در جایگاه آغازین جمله می‌آیند؛ البته در جایگاه میانی نیز قرار می‌گیرند؛ اما این گرایش به اندازه گرایش به وقوع افزوده‌ها در جایگاه آغازین نیست. از جمله یافته‌های قابل توجه در این پژوهش، عدم وقوع افزوده‌ها در جایگاه پایانی جملات کردی خزلی بود که حاکی از یک تفاوت رده‌شناختی بین دو گونه زبانی انگلیسی و کردی خزلی است و می‌بایست مورد توجه پژوهشگران حوزه‌های زبان، زبان‌شناسی و ترجمه قرار گیرد.

از محدودیت‌هایی که در انجام این پژوهش وجود داشت، علاوه بر محدودیت برای یافتن افراد باتجربه در زمینه زبان انگلیسی و کردی خزلی که فرصت مشارکت در مطالعه را داشته باشند، می‌توان به در دسترس نبودن آثار و مواد آموزشی نوشتاری به گویش کردی خزلی نیز اشاره کرد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



الف) فارسی

- ابومحسوب، احمد (۱۳۸۳)، ساخت زبان فارسی، تهران: میترا.
- باطنی، محمدرضا (۱۳۴۸)، ساختار نحوی فارسی، تهران: امیرکبیر.
- جعفری، آریتا (۱۳۸۸)، «بررسی افزوده‌ها در زبان فارسی: بر اساس رویکردهای نقشی و صوری»، دستور، شماره ۵.
- قریب، عبدالعظیم، ملکه الشعرای بهار، بدیع الزمان فروزانفر، جلال همایی و رشید یاسمی (۱۳۶۶)، دستور زبان فارسی (پنج استاد)، به کوشش امیر اشرف الکتابی، تهران: اشرفی.
- میرعمادی، سیدعلی (۱۳۷۶)، نحو فارسی، تهران: سمت.
- وحیدیان کامیار، تقی و غلامرضا عمرانی (۱۳۷۹)، دستور زبان فارسی، تهران: سمت.

ب) انگلیسی

- Chomsky, C, (1972), Stages in language development and reading exposure. Harvard Educational Review, 33-1, 42.
- Halliday, M.A.K, (2003), On the Architecture of Human Language. In On Language and Linguistics, Volume 3 in the Collected Works of M.A.K. Halliday. Edited by Jonathan Webster.
- Halliday, M.A.K. (1985). Systemic Background. In Systemic Perspectives on Discourse, Vol. 1: Selected Theoretical Papers from the Ninth International Systemic Workshop, James D. Benson and William S. Greaves (eds). Ablex. Reprinted in Full in Volume 3 in The Collected Works of M.A.K. Halliday. London: Continuum. p. 188.
- Halliday, M.A.K. (1994). An Introduction to Functional Grammar. 2nd. Edition. London. Arnold.
- Halliday, M.A.K. and Mathieson, C. M. I. M (2004). An Introduction to Functional Grammar, 3rd edition. London: Arnold.
- Lazard, G. (1992). A Grammar of Contemporary Persian. (Translation by A.L. Shirley from the 1957 French version). New York: Mazda.
- Mace, J. (2003). Persian Grammar. New York: Routledge/Curzon.
- Meshkat-o-deeni, M. (2000). Persian Grammar: A Transformational Approach, Mashhad: Mashhad University Press.

منابع و مأخذ

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی